

جهان را از نو کشف کردم

<?xml encoding="UTF-8?">

جهان را از نو کشف کردم

رایزنی فرهنگی ج ۱۰، ایران - مسکو

من بدون خدا بزرگ شدم . ولی او حتماً در قلب من زندگی می کرد چرا که يك روز اواخر سال هاي 1970 ناگهان به کتاب مقدس مسیحي علاقه فراوانی پیدا کردم . اول عهد جدید را مطالعه کردم و در حین مطالعه احساس می کردم که دانش کمی دارم . چه دانشی ؟ خودم نمی دانستم . ولی هر چه بیشتر انجیل را می خواندم ، بیشتر احساس می کردم که این بخشی از يك دانش بزرگ است . کتاب عهد عتیق را تنهادر دوران دگرگون سازی به دست آوردم . مطالعه آن ، کار جالبی بود ولی از يك سو يك نوع خلاء احساس می شد و از سوي دیگر مواد اضافی و نامربوط به چشم می خورد. برخی احکام و روایات سؤال برانگیز بودند. یکی از آنها، اصل بازخريد گناهان بشریت توسط مسیح منجي بود.حتي واژه "منجي" در کتاب مقدس نامفهوم بود. چطور می توان مرا از گناهان من نجات داد؟ چرا من باید در برابر کشیش توبه کنم ؟ در اینجا این سؤال منطقی بروز می کند که شاید خود انسان باید گناه خود را اصلاح کند يعني کار نادرست خود را مورد تحلیل قرار دهد و از کسی که ازاو رنجیده یا آسیب دیده باشد، عذرخواهی کند؟ این برخورد خیلی ساده و منطقی است . ولی در کتاب مقدس مسیحي این مسأله خیلی بغرنج و پیچیده است . مسایل دیگر هم ساده نیست .

اصل ذات دوگانه عیسی نیز قابل درك نیست . نیمه خدا و نیمه انسان در يك انسان به چه معناست ؟ کتاب هاي عهد عتیق يعني "خروج" و "قانون ثاني" باعث تعجب من شدند. برای مثال ، آنجا نوشته شده است : "مالي را که شما بزرگ نکردي و خانه هايي را که شما نساختيد، بگيريد چرا که این وصیت نیاکان شماست ." این دیگر کتاب مقدس نیست بلکه دستورالعمل اداره يك سازمان راهزنان است .

بازدید از کلیساهای ارتدوکس و کاتولیک نیز موجب شك و شبهه ، تعجب و احساسات ضد و نقیض می شد. از يك سو، عظمت و جلال مراسم به صحنه هايي از اپرا شباهت دارد و از سوي دیگر، هیچ تحرکي برای باز کردن چشم و پیشرفت فکري در جهت شناخت خدا نیست . من آن را احساس نمی کردم .

در جریان مراسم کلیسایی مشاهده پرستش روحانیون توسط مردم متدین ، بوسیدن صلیب و خوردن "جسم" مسیح عجیب بود. دکوراسیون و تزیینات کلیساها نیز از نظر متن مقدس قابل بحث بود. در کتاب مقدس آمده است : "برای خود بت نساز و هیچ تصویری ایجاد نکن ." عبادت شمایل ، زانو زدن در برابر شمایل و روشن کردن شمع از جمله اعمالی است که به دعای درونی به سوي پروردگار لطمه می زند.

احساس می کردم که عقل من يك تصویر ترکیبی "زندگی نامه اولیای کلیسا" را می بیند که گویا توسط کسی همزمان با تلاش هاي عقل و خرد من برای یافتن حقیقت شناخت جهان کشیده شده است . احساس می شد که يك عقل والا و مرکز عالی دانش وجود دارد ولی بعداً معلوم شد که من نخواهم توانست خدا را در سلسله مراتب کلیسایی پیدا کنم . در کتاب مقدس مسیحي هم آن را پیدا نمی کنم . آنچه که طی سال هاي زیادی خوانده شد، در ذهن من به تکه هاي منفردی تقسیم شد که با هم ارتباط چندانی ندارند.

این وضع تا پاییز سال 2001 ادامه داشت که يك نسخه قرآن تصادفاً به دست من افتاد. البته ، من قبل از آن نیز

از وجود قرآن اطلاع داشتیم ولی هیچ وقت به صرافت خواندن آن نمی افتادم . چرا؟ فکر می کردم که در قرآن تاریخ دیگری که با تورات ارتباطی ندارد، نوشته شده است و اینکه قرآن فقط برای به اصطلاح "اقوام مسلمان" وجود دارد. ظاهراً عقل من به خاطر تضادهای مکاتب گوناگونی که در باره آنها مطالعاتی انجام داده بودم ، تاریک شده بود.

آشنایی با ترجمه معانی و تفسیر قرآن مجید توسط ایمان والریان پوروخوا در زندگی من نقش تعیین کننده ای را ایفا کرد. فهمیدم حقیقتی که مدت ها با تلاش ایدایی دنبال آن می گزدم ، همین جاست . من بدین وسیله خداوند یکتا، خالق جهان را پیدا کردم که برای من حق مطلق، کمال مطلق و میزان واحد همه اشیاء است . شوهر من نیز همین راه دانش را طی کرد. او هم با همین مسایل روبرو می شد. ما در ماه مارس 2002 اسلام آوردیم . هر دو ما قبل از مسلمان شدن به یادگیری زبان عربی پرداختیم (شوهرم به زبان های آلمانی ، انگلیسی و ژاپنی مسلط است). این کار بسیار دشوار ولی جالب بود. جهانی ناآشنا و بیکران برای ما گشوده شد. مطالعه قرآن کریم و یادگیری زبان عربی و ادبیات قدیمی عربی (ابوالمعارف اصفهانی) ما را به لطف خداوند متعال به پذیرش اسلام رساند.

جهان پیرامون ما گویا دگرگون شد. مشکل بتوان این تغییرات را بلافاصله با عقل و خرد درک کرد. به ظاهر همه چیز به صورت قبلی باقی مانده است : گویا هرج و مرج و تغییرات فاجعه بار در جهان به ما ربطی ندارد. نه اینکه ما خود را خارج از مسایل عمومی یا بالاتر یا پایین تر از آنها احساس کرده باشیم بلکه می فهمیم که قادر هستیم بر همه آزمایشاتی که بر ما نازل شده است فائق آییم و اینکه در ذهن مایک نوع بازسازی صورت می گیرد. روح ما قوی تر و عقل ما مستحکم تر می شود. این حتماً همان نور است که از الله، خداوند یکتا و پروردگار جهان بر انسان نازل می شود.